

مرگ تاریخ و جغرافیا در شهر سوسیالیستی

بررسی تطبیقی الگو سکونت در برلین شرقی و دوشنبه

Mohammad_askarzade@yahoo.com

محمدحسین عسکرزاده/ کارشناس ارشد معماری منظر

Shahrzad2013@yahoo.com

شهرزاد خادمی/ کارشناس ارشد معماری منظر

شهر سوسیالیستی

شهر سوسیالیستی را می‌توان در دو مرحله تعریف کرد: گام اول مبانی نظری و زمینه‌های فکری به وجود آورنده شهرهای سوسیالیستی است؛ بستر فکری موجد شهر کمونیستی وام‌گرفته از بیانیه کمونیستی مارکس در سال ۱۸۴۸ است، که پس از آن در جنبش‌های معماری باهاوس و نیز ایده‌های شهری «لوکوربوزیه» متبلور شد. شهر سوسیالیستی حاصل برنامه‌ریزی اقتدارگرا، غیرمنعطف و آهنین سوسیالیستی کشورهای بلوک شرق است. در سال‌های دهه بیستم، این نوع برنامه‌ریزی از بالا به پایین و معمولاً به صورت سریع و ضربتی به مرحله اجرا گذارده شد. اصولاً در هنگام برنامه‌ریزی و پس از آن، مجال برای بررسی بازخوردهای انسانی و نتایج حاصل از برنامه‌ریزی، نظیر تغییر کاربری، تراکم و مسائلی از این قبیل نبوده است. دولت بر همه امور برنامه‌ریزی و طراحی احاطه داشته است. در نتیجه آنچه امروزه در نقشه کاربری شهرهای شرق دیده می‌شود کاملاً با کاربری شهرهای غرب، متفاوت است.

گام بعدی معرفی شکل شهر است؛ تأثیر ایدئولوژی در طراحی شهری کاملاً به چشم می‌خورد. بلوک‌های آپارتمانی فاقد جذابیت که در اکثر این شهرها دیده می‌شود، با هدف ساخت مسکن ارزان قیمت کارگری ساخته شده‌است. تنها در سال‌های اخیر پس از فروپاشی ایدئولوژی سوسیالیسم بوده که تغییر سیمای این شهرها آغاز شده است. مرکز

شهر سوسیالیستی مفهومی است که حاصل برنامه‌ریزی کلان است. بررسی آن نشان می‌دهد



که چطور با عوض کردن خط فکری طرح‌ها می‌توان کیفیت زندگی شهری را تحت تأثیر قرار داد. مقایسه تطبیقی میان شهرهایی که دوره‌ای از تاریخ خود را تحت حاکمیت حکومت‌های کمونیستی بودند، نشان می‌دهد که این شیوه حکومت چنان تأثیری بر شکل شهرها گذاشته که سهم تاریخی و جغرافیایی بستر شهر را نادیده گرفته است. فرض این مقاله بر این است که شهرهایی که به واسطه حکومت‌های کمونیستی بنا می‌شوند، علی‌رغم بستر فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی متفاوت، خصیصه‌های متشابهی دارند، که می‌توان آنها را «شهر سوسیالیستی» نامید.

واژگان کلیدی: سوسیالیسم، شهر سوسیالیستی، شهر غربی، دولت، ساختار شهری، شهر دوشنبه، شهر برلین



دوشنبه

نماهای مسطح و ریتم تکرارشونده در پنجره‌ها



برلین شرقی



تجاری شهرها متراکم تر شده، مرکزیت اشتغال و روابط کاری کم رنگ تر شده و به جذابیت‌های بصری بیشتر بها داده می‌شود. با توجه به مبانی نظری فوق، شهرهای سوسیالیستی واجد خصوصیات کالبدی مختص به خود هستند. محوریت ویژه خیابان اصلی در شهر و تراکم جمعیتی بالا بر روی کمربندی شهر در این گونه شهری از جمله ویژگی‌های کالبدی شهر است.

وجه تفاوت شهر سوسیالیستی با مدل‌های شهر غربی

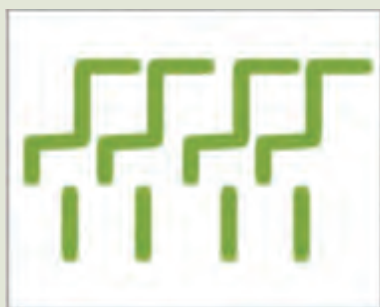
در خصوص تفاوت‌های موجود میان ساختار شهر سوسیالیستی و شهرهای غربی مناقشه است. عده‌ای معتقدند که جنبش‌هایی مانند شهرسازی متعارف، ضد شهرسازی و حومه‌گرایی، در شهرهای غربی و شهرهای بلوک شرق سابق تقریباً در یک دوره زمانی خاص اوج گرفتند؛ لذا نمی‌توان شهر سوسیالیستی را یک مدل شهری مستقل دانست. در مقابل عده‌ای دیگر از تئوریسین‌ها رأی به مستقل بودن فرم این شهرها می‌دهند و علت را متفاوت بودن شرایط اقتصادی و اجتماعی‌ای که موجب شهر سوسیالیستی شد، ذکر کرده‌اند. این عده از تحلیل‌گران معتقدند که «تولید» مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری شهرهای

سوسیالیستی است و وجود همین عامل، آنها را از دیگر مدل‌های شهری متمایز می‌کند. (توزیکس، ۲۰۰۴).

تفاوت دیگر در میزان و ماهیت توسعه شهری است. در زمان حاکمیت نظام سوسیالیستی در کشورهای بلوک شرق، دولت همه عوامل مربوط به زمین را مشخص می‌کرد. اما در شهرهایی با بازار آزاد، قیمت زمین است که تعیین‌کننده همه پارامترها است. در این کشورها دولت قیمت را مشخص نمی‌کند، بلکه عرضه و تقاضاست که نبض بازار زمین، ساخت و ساز و مسکن را در اختیار دارد. همچنین می‌توان تفاوت‌های جمعیتی را نیز بین مدل‌های شهری یاد شده یافت. جالب‌ترین این تفاوت‌ها در تراکم جمعیتی دیده می‌شود، وقتی از مرکز شهر سوسیالیستی به سمت خارج شهر پیش می‌رویم تراکم جمعیت بیشتر می‌شود، به عبارت دیگر شیب نمودار «مسافت از مرکز شهر - تراکم جمعیت» مثبت است. اما این شیب در شهرهای غربی منفی است. (برتاود، ۱۹۹۵). همچنین برخلاف شهرهای غربی که شیب منحنی نمودار تراکم‌شان از مرکز تجاری شهر به خارج به صورت یکنواخت کاهش می‌یابد، در نمودار تراکم شهرهای شرق، اوج و فرود دیده می‌شود؛ معمولاً تراکم قسمت‌های مرکزی و قدیمی شهر کم است و رأس منحنی تراکم در قسمت‌های حاشیه‌ای و پیرامونی شهر، که محله‌ها و بلوک‌های مسکونی در آنها ساخته شده، قرار دارد. (برتاود و بالکی، ۱۹۹۷). بر خلاف شهر غربی، در شهر سوسیالیستی، توسعه لجام‌گسیخته وجود ندارد و اثری از اجاره‌بهای بالا و بلندمرتبه‌سازی نیز در مرکز شهرها دیده نمی‌شود (اسکارپاکی، ۲۰۰۰).

در مجموع، همان‌گونه که «ژلنی» اعتقاد دارد، شهر سوسیالیستی دارای سه ویژگی اصلی است:

- ۱ شهرهای سوسیالیستی در مقایسه با شهرهای غربی دارای خصوصیات شهری ضعیف‌تری است.
- ۲ این شهرها از لحاظ وسعت و تعداد مراکز تجاری متراکم و



غلبه توده ساختمانی و بی‌توجهی به فضای میان توده‌ها، مأخذ: www.earth.google.com

خرده‌فروشی در مرتبه پایین‌تری قرار دارند.

۲ شهرهای سوسیالیستی اکثراً مراکز کاربردی و مدیریتی هستند و دچار کمبود عناصر رفاهی ابتدایی هستند. در این شهرها از فضاهای عمومی و مراکز تجمع و میدان‌های عمومی برای گردهمایی‌های باشکوه و تظاهرات استفاده می‌شود (ژلنی، ۱۹۹۶).

تأثیر سیاست‌های دولتی بر شکل و ساختار شهر سوسیالیستی
مهم‌ترین تفاوت شهر سوسیالیستی با شهرهای غربی در سیاست‌های دولتی حوزه مسکن نهفته است. این سیاست‌ها به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر جمعیت شهر، تراکم، اشتغال، حمل و نقل و غیره تأثیر می‌گذارد. مهم‌ترین این سیاست‌ها به شرح ذیل است:

- کنترل مستقیم و شدید دولت بر کاربری زمین.
- احاطه دولت بر منابع درآمد شهری.
- عدم سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سیاسی توسط شهرداری‌ها.
- مشخص شدن وسعت و جمعیت شهرها توسط دولت.
- مالکیت زمین شهری و ساختمان‌های مسکونی توسط دولت.

مقایسه تطبیقی شهرهای دوشنبه و برلین

با توجه به مباحث فوق، شهرهای «دوشنبه» در آسیای مرکزی و «برلین» در آلمان (بلوک شرق سابق) به عنوان شهرهایی که دوره‌ای تحت حاکمیت کمونیست بودند، مورد مقایسه و تطبیق قرار می‌گیرند: این دو شهر بیش از نیم‌قرن گذشته را تحت سلطه حکومت‌های اقتدارگرای کمونیست بودند. از طرفی هر کدام پیش و پس از این دوره تاریخی، گونه‌های کاملاً متفاوتی از حکومت‌ها را تجربه کرده‌اند.

«دوشنبه» با ۷۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، شهری نه‌چندان بزرگ در آسیای مرکزی است که ۸۳ درصد ساکنان آن تاجیک، ۹ درصد آن ازبک و اکثراً مسلمان هستند. دوشنبه پایتخت تاجیکستان و در اقلیمی کوهستانی قرار گرفته و خود شهر نیز بر روی کوهپایه واقع شده است.

جمع‌بندی

تفکر و نگرش سوسیالیستی به انسان، جامعه و زندگی و تبلور این نگاه در کالبد شهر منجر به ساخت گونه‌ای از فضاهای سکونتی شد که مفهوم سابق سکونت یعنی محله را عوض کرد. بسیاری از شرایط اقتصادی و اجتماعی سبب تفاوت میان شهرهای سوسیالیستی و دیگر الگوهای شهرسازی است، اما آنچه در اینجا حائز اهمیت است، تسلط بلامنازع حکومت بر رشد و توسعه شهر و کنترل شدید و یک‌سویه دولتی بر شکل زندگی ساکنان شهرها است. در حقیقت شکل و رشد معماری از تسلط مردم خارج شده و به تصرف دولت در می‌آید. در اینجا بسیاری از ساختارهای محلی جای خود را به قالب‌های سکونتی‌ای داده که همانند قطعات پازل، پلان شهر را بدون توجه به اصول انسان‌مدارانه شهرسازی بنا می‌کنند. این نظام که حاصل اقتدار دولتی است، در تمامی شهرهایی که تحت فرماندهی این نظام بوده‌اند، در جریان است. دوشنبه و برلین با بستری کاملاً متفاوت از یکدیگر برای چندین دهه زیر چتر کمونیست قرار گرفته و قواعد بالادست چنان آنها را متأثر می‌کند که با چشم‌پوشی از بستر تاریخی به راحتی می‌توان آنها را در زمره یک نوع تیپولوژی شهری قرار داد. قابل توجه است که در دوره تاریخی ذکرشده، برلین در شرایط اقتصادی مطلوبی نسبت به شهر دوشنبه قرار داشته‌است، اما این مؤلفه نیز در کنار سایر مؤلفه‌ها زیر سلطه حکومت مقتدر، ارزش کمتری به خود گرفته و صرفاً به رنگ و جنس برخی مصالح و شاید چند گلدان بر روی ایوان‌ها ختم می‌شود و گرنه ساختار، همان قالب تکرار‌شونده در شهر است که با توجه به نیازهای انسانی در طرح آن به حداقل کاهش می‌یابد.



برلین شرقی

تکرار مدولار نما و واحدهای سکونتی فاقد عناصر هویتی منحصر به فرد

منابع تصاویر

■ آرشیو نگارندگان، سفر به بلوک شرق در سال ۱۳۸۷، سفر به آسیای میانه در سال ۱۳۸۸

منابع

- ابراهیم پورمعصومی، هوشمند (۱۳۸۶) شکل و ساختار شهر سوسیالیستی از دهه ۱۹۲۰ تا فروپاشی نظام کمونیستی، مجله راه و ساختمان، شماره ۴۵.
- Bertaud, A., Renaud, B. (1995) *Cities Without Land Markets: Location and Land Use in the Socialist City*, The World Bank, Policy Research Working Paper No. 1477.
- Bertaud, A., Buckley, R. (1997) *Cracow in the Twenty First Century: Prince of Merchants? A City's Structure under the Conflicting Influence of Land Markets, Zoning Regulations and a Socialist Past*, Budapest, Mimeo.
- Hegedus, J. and Mayo, S. and Tosics, I. (1996) *Transition of the Housing Sector in the East-Central European Countries*, Budapest: USAID.
- Scarpa, J., L. (2000) *On the Transformation of Socialist Cities*, Urban Geography.
- Tosics, I. (2004) *Determinants and Consequences of Spatial Restructuring in Post-Socialist Cities, Winds of Change: Remaking Post-Communist Cities*, University of Illinois, June 18-19.

شهر دوشنبه تابستان‌هایی گرم و زمستان‌هایی معتدل دارد. «برلین» از شهرهای بزرگ و یکی از مراکز صنعتی و اقتصادی اروپا بوده است. ساکنان این شهر را بیشتر آلمانی‌تبارهای مسیحی تشکیل می‌دهند. برلین، پایتخت کشور آلمان و بزرگ‌ترین شهر از لحاظ جمعیت و مساحت در این کشور است. یک شهر ایالتی است و به عبارتی یکی از ایالت‌های شانزده‌گانه آلمان نیز به شمار می‌آید. برلین به عنوان یکی از مراکز فرهنگی جهان در زمان‌های مختلف، نقش مهمی بازی کرده است. در قرن ۱۸، به عنوان پایتخت «پروس»، قلب روشنگری بود. این شهر در موقعیت اقلیمی معتدل و مرطوب قرار دارد. مشهود است که این دو شهر به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی در گونه‌هایی کاملاً متفاوت قرار دارند.

از مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای شهرهای مورد بررسی و نیز سایر شهرهای کمونیستی نتیجه می‌شود که درصد بالایی از ساختار شهرهای امروزی حاصل ساخت و سازهای کمونیستی است. دوشنبه و برلین هر دو، شهرهایی با قدمتی قابل ملاحظه هستند و اینکه هم‌اکنون ساختار شهر تا حد زیادی متأثر از سده اخیر است به دو دلیل اصلی است. نخست، دولت‌های کمونیستی بنابر فلسفه وجودی خود، وظیفه اسکان شهروندان یا در حقیقت همان کارگران شهرهای تولیدی را بر عهده داشتند. در راستای نیل به این هدف، دولت‌ها شهرهای جدید بسیاری به وجود آوردند و در برخی شهرهای موجود نیز محله‌سازی‌های بسیاری انجام دادند. دوم، افزایش جمعیت در قرن گذشته در تمامی کشورهای رشد قابل توجهی داشته است. این امر به‌ویژه در شهرهای کمونیستی که انسان به عنوان نیروی کار برای تولید ارزش دارد، بسیار مشهود است. بنابر آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که چرا با توجه به زیرساخت‌های تاریخی شهرهای مورد بررسی، هم‌اکنون سطح زیادی از شهر در زیر ساختمان‌های کمونیستی قرار دارد.



دوشنبه



برلین شرقی

مجموعه‌های به هم پیوسته فاقد قلمروهای سکونتی